

آینه

تیتیر یک: «پاداش دولت به حامیان خوش خدمت»؛ ملیحه حسینی

به گزارش یک منبع آگاه، تلاش دولت برای استخدام‌های فله‌ای از سوی استانداری‌ها پیش از شروع انتخابات ریاست‌جمهوری، تلاش برای استخدام فله‌ای در روزنامه ایران، واگذاری ۱۱ واحد آپارتمان‌های سازمانی به قیمت نازل و بدون برگراری منقصره در مناطق آپادانا و مجتمع سامان در اوین به تیم حفاظت محمود احمدی‌نژاد، تخلیه یکی از ساختمان‌های منطقه آزاد برای اجاره بلندمدت، واگذاری‌های عجولانه در سازمان میراث‌فرهنگی، صدور حکم برای بیش از ۴۰ بخشدار و فرماندار از سوی وزیر کشور آن هم بعد از انتخابات، اعطای یک دستگاه خودرو مگان به همراه صد سکه طلا به برخی از معاونان محمود احمدی‌نژاد، اعطای وام ۷۰۰میلیونی برای ۲۵کافر جهت ادامه تحصیل در مقطع دکترا، تلاش برای بستن قراردادهای رسمی با افرادی خارج از مجموعه نهاد ریاست‌جمهوری، اعطای نشان‌های دولتی همراه با مبالغ‌های چند صدمیلیونی آنها نظیر صدها سکه بهار آزادی یا پرداخت‌های مادام‌العمر، بازخريد سنوات مدیران همسو با شرایط بسیار بهتر از عرف رایج در کشور، پرداخت پاداش‌های کلان پایان خدمت، صدور حکم بازتنسستی پیش از موعود با بالاترین رقم حقوقی، تغییر مدیرعاملی هواپیمایی آسمان و جایگزینی یکی از نیروهای همسو با تیم دولت، تغییر مدیر مخابرات استان تهران و مدیرعامل تالیا و همچنین زمرزمه‌هایی مبنی بر تغییر مدیران عامل بانک‌ها به‌خصوص بانک ملی و همچنین مدیران عامل به دانشگاه بزرگ ورزشی، اعطای ویلا در منطقه دماوند به معاونان و وزرای دولت- و تنها نمونه‌های کوچکی از خدماتی است که دولت سعی دارد پیش از اتمام دوران ریاستش برای نزدیکان خود انجام دهد؛ ختامی که گویا تمای ندارد و با قدرت از سوی دولت تا ساعت ۹ صبح روز ۱۲ مرداد ادامه خواهد داشت.

گفت‌وگو/یادی: هزار میلیارد تومان هزینه فاقد روی دست شهراد

در سال ۹۱ هزینه فاقد شهرداری تهران در سال ۹۱ حدود هزارمیلیارد تومان بوده و هنوز هم نتوانستند برای آن مدرک و سندندی به شورا ارائه کنند. خیلی رفت‌وآمد هم داشتند که این فاقد را تصویب کنیم اما شورا مقاومت کرده و با این هزینه‌ها که خارج از برنامه انجام شده و به‌عنوان فاقد بودجه شهرداری منظور شده موافقت نکرد. شهرداری تهران گفته بخشی از آن مربوط به پروژه امام علی(ع) است اما هنوز در این باره سندی به شورا ارائه نکرده‌اند. اگر چه در وجود این هزینه‌های فاقد شورا هم مقصر است.

اخبارات

سر مقاله: «کار نامه»؛ علیرضا خانی

خبرگزاری دولت سلسله گزارش‌هایی از دستاوردهای دولت نهم و دهم منتشر کرده و همچنان در حال منتشر کردن است. مثلا در یکی از این گزارش‌ها آمده است که هم تعداد دانشگاه‌ها و هم شمار دانشجوین طی هشت‌ساله اخیر دوبرابر شده است. یعنی فقط طی هشت‌سال گذشته، به اندازه کل زمانی که کلنگ نخسین دانشگاه در اوایل قرن اخیر به زمین زده شد تا سال ۸۴ (یعنی حدود ۸۰سال) دانشگاه ساخته شده. آمار دیگری که به‌عنوان قسنتاورد این دولت منتشر شده ساخت هفت‌میلیون و ۳۹۰هزار واحد مسکونی است که این میزان معادل ۶۰درصد کل مسکن‌هایی است که از ابتدای انقلاب تاکنون احداث شده. مردم البته حق دارند اگر می‌بینند در یک خانواده چهارفرز سفتر بیکارند، به آمارهای ارائه‌شده و منتشرشده اعتماد و اعتنا نکنند. وقتی می‌بینند همه هزینه‌های زندگی به‌نسبت قبل چندین برابر شده و شکافی عمیق‌تر بین درآمدها با قیمت‌ها – به‌رغم یارانه‌های نقدی – به وجود آمده، که همه درآمدهایشان را می‌بلعد، طبیعی است که به بسیاری از آمارها و گفته‌ها بی‌باور شوند.

کیمت

سر مقاله: «عروس هزار داماد»؛ محمد ایمانی

تحلیل سرنوشت «دولت اصلاحات» به «دولت اعتدال» یکی از اولویت‌بندی‌های اصلی طیف ساختارشکن و تندرو به شمار می‌رود. آنها مدعی‌اند به خاطر اعلام حمایت –از سر انظار- از دکتر روحانی در انتخابات، باید در کلبینه به مثابه یک شرکت سه‌می شریک شوند یا به دولت خط اصلی را بدهند یا این تفاوت که از این دلالت و شراکت سود ببرد اما در زبان‌های محتمل که از رهگذار ترویج تندروی حادث خواهد شد، سهیم نباشند. به این ترتیب می‌توان مخالف‌خواهی را از سال دوم و سوم فعالیت دولت، آغاز کرد و تبدیل به اپوزسیسیون آن در انتخابات بعدی (سال ۱۳۹۶) یا حتی زودتر از آن در انتخابات مجلس دهم (۱۳۹۲) شد. منطق کیهان در این عرصه روشن است. «امومن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود». اکنون که رئیس‌جمهور جدید با شعار اسلامی اعتدال روی کار آمده، باید مراقب بود که فرصت‌طلبان غدار – این عروسان هزار داماد سرخو – سرنوشت تیره «اصلاحات» را در قبال دولت امید و تدبیر تکرار نکنند. البته چنین هشداری تاوان و مجازات دارد و این تاوان همین توبخه بر جرم خشم و اهلت و ناسزا و دروغی است که این روزها به سوی کیهان شلیک می‌شود.

ایران

تیتیر یک: گفت‌وگو/ بهمن شریف‌زاده: «کرامت انسان»

مهم‌ترین مبنای گفتمان احمدی‌نژاد

با توجه به تکرار بسیار این واژه مهم‌ترین، اساسی‌ترین و مبنایی‌ترین موضوع گفتمان دولت دکتر احمدی‌نژاد را کرامت انسان می‌دانم. رهبر انقلاب فرمودند دولت احمدی‌نژاد قطار انقلاب را به ریل خود بازگرداند که مفهوم آن، عبارت است از اینکه قطار انقلاب اسلامی از ریل خود خارج شده بود.

۴ برای شروع گفت‌وگو، تحلیلی از فضای انتخاباتی یازدهم را در کنید تا از یک نقطه وارد مصاحبه شویم.

تفاوت‌ها را در سه میحت دست‌بندی می‌کنم: نخستین تفاوت این بود که بعد از چند دوره قطبی‌شدن انتخابات که موجب احساسی‌شدن فضای انتخابات می‌شد و نمی‌خواهم آن را کاذب هم بنامم، این انتخابات اولین دورهای بود که فضای احساسی در آن رو به کاهش رفت. در این دوره سیاه‌نمایی خیلی خریدار نداشت. کسانی که قصد داشتند با بهرمندی از نقاطضعف آقای احمدی‌نژاد جلب رای کنند، خیلی موفق نبودند. نه اینکه مردم ایرادات را قبول نداشته باشند، منظورم این است که این شیوه‌ها در این دوره خیلی خریدار نداشت. هرچند برخی تلاش داشتند این کار را انجام دهند. برای نمونه در مقطعی حوادثی رخ داد و بین برخی ستادها مشکلاتی پیش آمد که نشان داد بدخواهان استقلال و رشدیافتگی سیاسی، تمایلی به انتخاباتی آرام ندارند یا اینکه عده‌ای روحانی کردند که شورای‌بگهپان قصد دارد صلاحیت دکتر روحانی را دوباره بررسی کند. تا از این طریق هیجان را بر فضای سیاسی غلبه دهند.

۴ مساله دوم را توضیح می‌دهید؟

تفاوت دوم نقش‌آفرینی و عقلاانه عمل کردن رسانه ملی و قرار گرفتن در جایگاه بی طرف بود. در دوره‌های گذشته مانند انتخابات سال ۷۶، رسانه ملی بسیار ناپخته عمل کرد زیرا می‌پنداشت بهترین کار این است که از نامزد مطلوب خود جانبداری کند. البته این مساله به نوع مدیریت و حضور آقای کردان مربوط می‌شد که در نهایت باعث می‌شد شان صداسویما به‌عنوان یک رسانه ملی و بی طرف حفظ نشود. در انتخابات سال ۸۸ هم رسانه ملی نقش هدایت‌کننده نداشت و جانبداری آن، فضای دوقطبی و تبعات آن را گسترش داد. در این دوره صداسویما این رشد و آگاهی را داشت که جانبداری نکند. بنابراین این ریسک را پذیرفت که عملکردش را از یکسویه‌بودن خارج کند و حتی این رشد را داشت که ایرادات عملکرد خود را اصلاح کند. تفاوت مناظره اول با مناظره‌های بعد، ناشی از همین اصلاح‌پذیری بود.

۴ علاوه بر صداسویما، تصمیم شورای‌نگهبان هم به‌گونه‌ای بود تا فضا از قطبی‌شدن خارج شود؟

نوع عملکرد شورای‌نگهبان سومین عامل تفاوت این انتخابات با انتخابات دیگر است چرا که فضای دوقطبی در این دوره شکسته شد. هم آقای هاشمی و هم آقای احمدی‌نژاد به‌عنوان دو بازیگردان پشت صحنه حضور داشتند. البته آقای هاشمی تا آخر بازی خود را در اختیار داشت اما برای آقای احمدی‌نژاد کاملا به هم خورد. ایشان برای انتخابات یازدهم، برنامه‌های خاصی داشت و روی آن هم کار کرده بود که نهایتا اکثر این بازی‌ها خنثی شد. به هر حال همین که دو بازیگردان اصلی، یکی شخشا و دیگری نامزدش در این انتخابات نبودند، به آن معنی بود که فضای دوقطبی خیلی کمرنگ شد.

۴ می‌توان این مساله را به تفاوت‌ها افزود که در هیچ‌یک از انتخابات تا این حد اختلاف نظر افتاده و منشست نبودند. جریان مناظره‌ها هم نشان داد که آنها خیلی به‌هم نزدیک نیستند.

شاید این مساله در این انتخابات به اوج خود رسیده باشد اما اصولگرایان از زمانی که مسوولیت را در قوای مجریه و مقننه به دست گرفتند بیشترین تفقها را بر هم داشتند. شما ببینید مثلا آقای عارف در جریان انتخابات هیچ انتقادی از آقای روحانی نداشتند. این مساله یکی از ضعف‌های بارز بود که به مثی اصلاح‌طلبان در دوران حاکمیت آنها بازمی‌گردد. مردم از آن مجلس و قوه‌مجریه در دست اصلاح‌طلبان بود، زیاده‌خواهی‌های بسیاری صورت می‌گرفت و مطبوعات اصلاح‌طلب یا چهره‌های بارز آنها انتقاد نمی‌کردند. اصلاح‌طلبان خیلی بسته و حزبی عمل می‌کردند و به هم نقد نمی‌کردند. اما در مجلس هفتم و هشتم بیشترین انتقاده‌ها علیه دولت توسط اصولگرایان انجام شد و وزرای پیشنهادی دولت با بحث‌های جدی رای اعتماد نگرفتند.

۴ اتفاقا نقدی که همه به مجالس هفتم و هشتم دارند، این بود که آنقدر دست دولت را باز گذاشت و مامشات کرد تا رفتار قزاق‌افرو را برای انداخت خود. قانون‌گریزی دولت اساسا از کدام مجلس شروع شد؟

این مساله به ویژگی‌های شخصی آقای احمدی‌نژاد بازمی‌گردد. آقای حداد در مجلس هفتم حتی به مقام‌مظهری‌بری نامه نوشت و مقام‌مظهری‌بری می‌پاسخ دادند که حق یا مجلس است.

۴ حتی آقای افروز که از اصولگرایان بود در وصف مامشات مجلس و عدم‌مقابله با رفتارهای قزاقانوی

دولت می‌گفت آنقدر مصلحت‌مصلحت‌کردیم که عاقبت به اینجا رسیدیم.

آقای افروز انتظارات بالایی دارند و هیچ اشکالی هم ندارد اما واقعا اینکهنبود که مجلس ایستادگی نکند. اگر حداد که واقعا آدم با حلم و صبوری هستند نامه نوشتند، اگر خاطراتان باشند در دوره بعد آقای احمدی‌نژاد آنقدر تلاش کرد تا ریاست مجلس را از حداد بگیرد و عاقبت هم توانست این کار را بکنند.

۴ مگر این اتفاق خارج از مجلس افتاد؟ خود‌نمایندگان مجلس به حمایت از آقای احمدی‌نژاد اینگونه عمل کردند. به افکار عمومی هم اینکهونه ثبت شده که مجالس هفتم و هشتم واقعا دولت دست را باز گذاشتند.

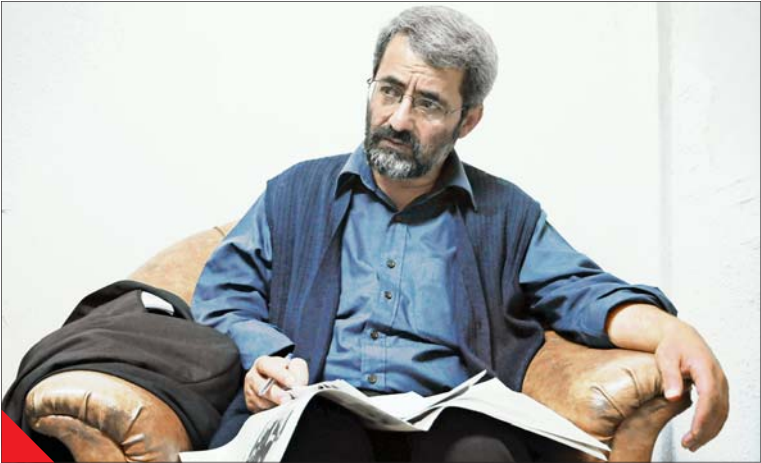
نمایندگانی مثل آقای رسایی و حسینیان و- که طرفدار آقای احمدی‌نژاد بودند به سمت آقای لاریجانی کشیده شدند تا آقای حداد رای نیاورد. برنامهریزی دولت برای کنار گذاشتن آقای حداداعمال مشخص و روشن است. اصولگرایان سابقه قوی‌در پایبندی به اصول از خودشان نشان دادند. عملکرد افراد ولو اینکه اصولگرا باشند، بازهم باید سنجیده شود که این یک رویه خوبی است که در اصولگرایان وجود دارد و معتمد در اصلاح‌طلبان چنین مساله‌ای وجود ندارد و آنها استبداد حزبی دارند.

۴ واقعا اگر نقد اصولگراها اینقدر که شما تعریف و تمجید می‌کنید، جدی بود، آیا امکان داشت الان در این نقطه قرار بگیریم؟ می‌خواهم بگویم چنانچه بحث جلب

سیاست

عباس سلیمی‌نمین در گفت‌وگو با «شرق»:

احمدی‌نژاد و هاشمی «بازیگردان» انتخابات بودند



عباس سلیمی‌نمین

فرهاد فرزاد

ساختمانی قدیمی که شاید بیش از نیم‌قرن از عمر آن می‌گذرد، به‌خوبی با نامش به‌عنوان دفتر تدوین تاریخ ایران همخوانی دارد. پله‌های بسیار تنگ و طولانی باید طی شود تا به طبقه آخر یعنی مکان مصاحبه برسیم. دفتری که از مکان به‌ظاهر آرام آن، تحلیل‌های خاص و گاه عجیب و همچنین تفده‌های تند عباس سلیمی‌نمین علیه دیگر شخصیت‌ها نوشته می‌شود. هرچند تاکید می‌کند در تحلیل‌ها، برایش بحث جناح و حزب مطرح نیست اما سخت بتوان چنین ادعایی را قبول کرد. چه آنکه، تفده‌های به جریان اصلاحات وارد می‌کند که احتمالا خیلی از اصولگرایان اعتقادی به آن ندارند. کمتر اصولگرایی پیدا می‌شود که جریان آیت‌الله هاشمی و محمود احمدی‌نژاد را در یک جهت ارزیابی کند و اعتقاد داشته باشد این دو شخصیت یک خطمشی‌را در پ پیش گرفته‌اند. در سال‌های گذشته تقریبا اکثر شخصیت‌های سیاسی کشور طعم تفده‌های سلیمی را چشیده‌اند. با این وصف با یک حساب انگشتی باید گفت مخالفان و منتقدان او از شمار گذشته‌اند. اعتقاد دارد فضای دوقطبی بزرگ‌ترین آفت در انتخابات ریاست‌جمهوری است و از این جهت عملکرد شورای‌نگهبان را می‌ستاید که با نوع تاییدصلاحیت‌ها، زمینه‌های این اتفاق را از بین برد. نکته جالب در تحلیل‌های او، دفاع سرسختانه‌اش از عملکرد مجالس اولگرای هفتم و هشتم است؛ مساله‌ای که خود اصولگرا‌ها شاید اینقدر اعتقادی به آن نداشته باشد. در این گفت‌وگو به ارزیابی روند انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری می‌بریم و از تحلیل‌های عجیب سلیمی‌نمین را با هم می‌خوانیم:

آرا نبود، همین انتقادات هم به این شکل مطرح نمی‌شد. مثال‌های مختلفی می‌زنم که مساله روشن شود. آقای کردان توسط چه کسانی در مجلس استیضاح شدند؟ آیا اصلاح‌طلبان کار خاصی کردند؟

۴ بیشترین تلاش از سوی آقای علی‌مطهری بود. اصلا بحث‌مخالفت جریان اصولگرا مطرح نبود.

علاوه بر آقای مطهری که از قضا هم در فهرست اصولگرایان بود سخنرانی کسانی که علیه آقای کردان حرف زدند، وجود دارد. مانند آقای احمد توکلی، آقای نادار و اینگونه افراد. اصلااصلاح‌طلبان یا جلو نگذاشتند.

۴ جریانی به‌نام جریان اصلاح‌طلب در آن مجلس حضور نداشت.

اتفاقا اصلاح‌طلبان (که فراسکینیونی قوی در مجلس داشتند) با آقای کردان ساختند. یکی از نمایندگان که اصلاح‌طلب بود، با آقای کردان جلسه گذاشت و توانست این امتیاز را بگیرد و استنادی که بر خلاف تمایل او در آن پست بود را از آن استان بردارد. اصلاح‌طلبان امتیاز گرفتند اما اصولگرایان تا پای استیضاح رفتند.

۴ می‌خواهید بگویید انتقادات کنونی اصولگرایان علیه یکدیگر جدا از بحث قدرت است؟

مثلا آقای توکلی اهل قدرت‌طلبی است؟ زندگی خصوصی ایشان هم معلوم است. او هم می‌توانست انتقاد نکند اما انتقاد او برای اولین‌بار اعتبارنامه‌اش توسط جریان حامی آقای احمد‌نژاد زیر سوال رفت و ریاست مرکز پژوهش‌ها را هم در دست داد. اینجا جنگ قدرت نیست بلکه ایستادن بر اصول و مبنای آنهاست. مردم این قوت را در کم می‌کردند و یکی از دلایل بقای اصولگرایان اصلا همین بود.

۴ شاید بهتر این است که بگوییم اصلی‌ترین دلیل بقای آنها این بود که قدرت را در دست داشتند.

اینگونه نیست بلکه به این دلیل است که باندی عمل نمی‌کنند. نمی‌خواهم بگویم همه‌اصولگرایان اینگونه هستند. حداد که واقعا آدم با حلم و صبوری هستند نامه نوشتند. اگر سواسفاده از قدرت به اصولگرایان دارم، به‌عنوان مثال جبهه پایداری و مؤلفه با اینکه از اصولگرایان هستند اما تفده‌های جدی به آنها دارم و رفتار آنها را خیلی با اصولگرایی منطق نمی‌بینم. اتفاقا پیش از این در جایی گفتم که آقای عارف را خیلی بیشتر از آقای بادامچیان اصولگرا می‌دانم.

۴ برخورد حزبی که رفتار خیلی خاص و عجیبی نیست. همین که از یک اصلاح‌طلب نه به‌عنوان وزیر یا معاون وزیر بلکه به‌عنوان مشاور هم در بدنه دولت اصولگرا استفاده نشد، یعنی رفتار حزبی. در دولت اصلاحات، اصولگرایان حضور داشتند و سست‌های بالا هم داشتند. عملکرد دولت اصولگرا مفهوم رفتار حزبی نیست؟

وقتی اصلاح‌طلبان در قدرت بودند خودشان را نقد نکردند. آن موقع کدام تفقدها توسط اصلاح‌طلبان به خودشان وارد شد؟ شما نقدی اساسی را در مجلس اصلاح‌طلب نمونه بیاورید که علیه دولت اصلاحات انجام شده باشد.

همچنین در دوران حاکمیت اصولگرایان آنها در مجلس، فراسکینون تاثیرگذار داشتند، چگونه عمل کردند برای نمونه آقای جاسبی خودشان را اصولگرا می‌دانستند و مجلس هفتم به‌عنوان اقدامی اصولی، طرح تحقیق و تفحص را از آموزش عالی کشور مطرح کرد اما فراسکینون اصلاح‌طلبان از این مساله حمایت نکردند. دلایل آن هم مشخص است. آنها ترجیح دادند به‌جای اینکه نقد کنند از امکانات دانشگاه آزاد بهره گیرند. وزیر بازرگانی دولت اصلاحات زمان وزارت، قووق‌دییلم داشتند. اما الان مدرک تحصیلی دکتر دارند. این مدرک از کدام دانشگاه گرفته شد؟ آقای معین قبل از وزارت، انتقادات فراوانی به دانشگاه آزاد داشتند. در دوران وزارت اقدامی انجام دادند که در جهت انتقاداتشان باشد؟ در مجلس ششم اقدامی انجام شد؟ معتمد این شیوه موجب شکست خوداصلاح‌طلبان می‌شود.

۴ الان می‌خواهید این نتیجه را بگیرید که جریان اصلاحات با مردم فاصله دارد؟

است که این تفاوت برای مردم جنبه مثبت دارد. مردم به استقبال کسی که محبوبیت نداشته باشد، نمی‌روند. از آن طرف اگر آقای هاشمی حس می‌کرد بین مردم و جریان اصلاحات جایگاهی ندارد فکر می‌کنید قدم پیش می‌گذاشت؟

این عقیده را ندارم. اصلا اینطور نیست که چون شرایط و موجی نسبت به ورود آقای هاشمی ایجاد شده است مردم به این جمع‌بندی رسیده بودند که آقای هاشمی فرشته‌نجات بود. بر این باور هستم که چون جریان دولت چنین چیزی را می‌خواست، این شرایط شکل گرفت. یعنی نه بر خود را در سبد آقای هاشمی قرار داد.

۴ اینکه خیلی عجیب است که سیاستمداری با شش دهه تجربه سیاسی بخواد بر اساس خواسته‌های جریان دولت پیش برود.

منظورم بازی خوردن نیست. هر دو آنها می‌خواستند فضای دوقطبی شکل بگیرد. این مساله در حالی بود که آقای هاشمی هم از فضای دوقطبی استقبال می‌کرد. این مساله را به‌دلیل اهمیت آن باز هم تکرار می‌کنم آیا دولت آقای احمدی‌نژاد می‌توانست در یکی، دو ماه مانده به انتخابات قیمت‌ها را تثبیت کند و پایین نگه دارد؟ چرا جلوی آن را نگرفت؟

۴ یکی از سوال‌ها همین بود. پیش از این، شما چنین مساله‌ای از طرح کرده بودید.

دولت آقای احمدی‌نژاد کندیدبا داشت و برای اینکه بتواند اقبال کاندیدایی خودش را زیاد کند، احتیاج نبود کار خیلی خاصی انجام دهد. این راه همه می‌فهمند که دولت‌ها با افراد سعی می‌کنند چهره مثبتی در آستانه انتخابات از خود نشان بدهند اما چرا در آستانه انتخابات برخی قیمت‌ها به‌صورت کاذب افزایش یافت و مثلا اعلام کردند از مرجع به فلان کالاهای اساسی تعلق نمی‌گیرد. دولتی که چنین امکاناتی داشت چرا عملنامه چنین کرد و قضیه را مدیریت نکرد؟ این اتفاق حاصلی نداشت جز آنکه چهره‌ای منفی از دولت کنونی ترسیم شود. فکر می‌کنید سود این نوع عملکرد بر مساله به‌نفع کیست؟

۴ می‌خواهید بگویید آقای احمدی‌نژاد به‌نفع آقای هاشمی خوردنی کرد؟

بحث دشمن مشترک است. هم آقای هاشمی و هم آقای احمدی‌نژاد دست‌کم در یک زمینه با هم متفق بودند و آن رای نیاوردن کاندیدایی اصولگرایان بود. خود آقای احمدی‌نژاد هم تلاش ایجاد داشت آقای هاشمی یا به انتخابات بگازد.

۴ احتمالا کل جریان اصولگرا شاید شما تنها کسی باشید که چنین ایده‌ای دارد. برای آقای احمدی‌نژاد حضور آقای هاشمی چه سودی داشت؟

برای آقای احمدی‌نژاد مهم‌ترین مساله این بود که هیچ‌یک از اصولگرایان رای نیاورند. چرا آقای احمدی‌نژاد در دولت دهم با اصولگرایان تعارضی جدی پیدا کرد؟ جبهه پایداری ایجاد شد اما اصولگرایان تجزیه‌بیه شدند. اقدامات مختلف او باعث تخریب اصولگرایان شد. آقای احمدی‌نژاد در مسیری است که با معیارهای اصولگرایی همخوانی ندارد و آنها را علیه خود می‌بیند. زمانی آقای احمدی‌نژاد قهرمان نجات‌بخش یا معیار سادزمیستی می‌شود یا کاپشن او در حراج به فلان قیمت گزاف فروخته می‌شود که معیارهای اصولی کم‌رنگ شود.

۴ اتفاقا می‌شود این مساله را از این زاویه نگریست که اصولگرایان می‌خواهند تا‌کار آسودی دولت به جریان اصولگرایی منتسب نشود و به اعتبار این‌جریان، خدش‌های وارد نشود. بنابراین سعی می‌کنند تا جریان دولت از اصولگرایان جدا نشود. این در حالی است که دولت آقای احمدی‌نژاد محصول اجماع سراسری و همه‌جانبه‌اصولگرایان است.

اولا آقای احمدی‌نژاد محصول اجماع سراسری اصولگرایان نبود. مانند امروز که چندین اصولگرا در صحنه هستند، آن موقع هم آقای قالیباف حضور داشت. آقای لاریجانی و احمد توکلی و محسن رضایی هم بودند. همه این شخصیت‌ها بودند. نهایتا وقتی آقای احمدی‌نژاد می‌گوید من اصولگرا نیستم چرا ما با انگیره سیاسی، بگوییم هست.

۴ اما اگر خاطراتان باشد تا روز دوشنبه مانده به جمعه انتخابات، اجماع اصولگرایان روی آقای قالیباف بود اما روز دوشنبه نگاه همه‌چیز تغییر کرد و اجماع از آقای قالیباف به آقای احمدی‌نژاد تغییر کرد.

این تغییر به دلیل تشابهات تاکتیکی آقای قالیباف بود. وگرنه آقای قالیباف گزینه اجماع باقی می‌ماند. اگر آقای قالیباف از پایگاه اصلی خودش، برای جذب طیف‌های به قول خودشان خاکستری، دور نمی‌شد این اتفاق نمی‌افتاد. موقعیت قالیباف خیلی خوب بود و می‌توانست رقیب اصلی آیت‌الله هاشمی در انتخابات سال ۸۴ باشد اما خطای تحلیلی او دلیل این اتفاق بود.

۴ فکر می‌کنید اگر مجالس اصولگرای هفتم و هشتم با قدرت ایستادگی می‌کردند، اینگونه پیش می‌آمد؟ آقای احمدی‌نژاد روز اول ریاست‌جمهوری که اینگونه نبود.

آرام را با مامشات مجلس‌های اصولگرا تغییر کرد.

این مساله قابل بررسی است. می‌توان بحث مجلس را در جای خود ادامه داد و تحلیل کرد. البته نمی‌خواهم این بحث را در کنار حقیقت آن است که مجلس ایستادگی بیشتری می‌کرد، و آنها را ترغیب به ثبت‌نام می‌کردند تا نشان دهند مردم تمایلی به آنها ندارند. اگر شخصا نظر مرا می‌خواهید نگاهم اینگونه نیست، در نامه‌ای که پیش از انتخابات به آقای هاشمی نوشته بودم توضیح دادم که اتفاقا خوب است شما بپایید و حضور داشته باشید و به‌صورت کار راز سربه‌مهر برای جوانان باقی بمانی. جوانان امروز ما دوران آقای هاشمی را در کم نکردند و واقعا نمی‌دانند مثلا سطح تحمل آقای هاشمی تا چه اندازه است.

۴ آقای هاشمی دهه ۶۰ و ۷۰ با هاشمی دهه ۹۰ برای مردم یکی است؟

۴ محمدرضا تاقوی

● با حضور چشمگیر و پرشور مردم در ۲۴ خرداد و رای به دولت اعتدال و عقلانیت، حماسه سیاسی محقق شد. و اینک باید همت شود تا به خواسته ملت در عرصه‌های مختلف پاسخی مثبت داد. جناب آقای دکتر روحانی نه در این برهه و شرایط بلکه همواره فردی متدین و معتدل بوده و با افراط‌وتفريط مبارزه کرده‌اند. حال که نقشه راه آینده در گروی انتخاب تیم متعهد، متخصص و معتدل می‌باشد، باید همگان ضمن حفظ آرامش و حذف شایعه‌ها و گمانه‌زنی‌ها به دولت تدبیر و امید فرصت دهند تا با تحقیق و تفحص بتواند دولتی کارآمد را معرفی کند. شاید آیه: «فیشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» بهترین بندگان کسانی هستند که سخنان و نظرات همه را گوش می‌کنند و بهترین را انتخاب می‌کنند. کلید اعتدال و بیابگر مبنای دموکراسی و احترام به تمامی گرایش‌ها حتی مخالفین باشند. سعه‌صدر و تحمل شنیدن نظرات دیگران و گزینش برتر و اصلح می‌تواند در انتخاب صحیح کارگشایی کند. در این برهه که بسیار حساس و تاثیرگذار در چهارسال مدیریت می‌باشد، باید به شاعرهایی در طول رقابت انتخاباتی که برخواسته از نظریه‌پردازی و اعتقادات کاندیدایی محترم بود پایبند باشیم. بخشی از شاعر‌ها که متضمن پیام‌های اساسی می‌باشد:

۱- تدبیر: به معنای عاقبت‌اندیشی و اندیشیدن به پایان کار است.

۲- امید: زمانی که امور بر اساس تدبیر و تعقل انجام پذیرد، منجر به امید خواهد شد.

۳- عقلانیت: تمام برنامه‌ها و سیاست‌گذاری و انتخاب‌ها براساس عقل نه احساس و رفاقت شکل می‌پذیرد.

۴- فراچنانچی: تدبیر و عقلانیت که زمینه‌امید است اقتصاد دارد که فراچنانچی عمل شود.

۵- افراط: ختق‌رمز در برنامه‌ها و انتخابات، افراط‌گری در تمامی جناح‌ها و دسته‌ها خواهد بود. رئیس‌جمهور منتخب که خود سرآمد تحقیق و پژوهش می‌باشد با تشکیل کارگروه‌های تخصصی از افراد امین، متخصص و متعهد در حال بررسی برنامه‌ها و انتخاب افراد کارآمد است و امیدواریم با معرفی کابینه‌ای مدبر و فراچنانچی مدیریت کشور بر محوری عقلانیت و اعتدال و به دور از شعارزدگی تحقق یابد. با توجه به برنامه‌ها و سیاست‌های اعلامی رئیس‌جمهور منتخب چنانچه اعضای کابینه دولت یازدهم براساس ویژگی‌ها و پارامترهای ذیل انتخاب شوند، می‌توان عنوان دولت تدبیر و امید را برانته این مجموعه‌دانست:

۱- اعتقاد به مصالح و منافع ملی در چارچوب قانون اساسی

۲- متعهد به رعایت خط‌قرمزهای شرعی، اخلاقی و قانونی

۳- رعایت اعتدال و برهیز از افراط و تفریط

۴- تخصص، کارآمدی و تجربه

۵- حسن سابقه در زمینه‌های فردی، اجرایی و مقبولیت‌عمومی

۶- به دوربودن از حواشی سیاسی و اجتماعی

۷- همسو و هم‌راهمودن با برنامه‌ها و سیاست‌های خردوکلان

به‌طور قطع داشتن شرایط فوق یعنی احراز صلاحیت برای خدمتگززاری و شایسته‌سالاری. امید آنکه با هم‌راهی ملت و همکاری متخصصان و کارشناسان دلسوز کشورمان بتوانیم رئیس‌جمهور منتخب‌مان را در مراحل مختلف یساری کنیم تا با کلید تدبیر، کارگشایی اقتصاد و فرهنگ و سیاست در بخش‌های مختلف باشیم.

طبیعی است که اجرای تمامی برنامه‌ها به زمان مناسب و متناسب نیاز دارد و نباید سطح توقع جامعه را از دولت یازدهم افزایش دهیم بلکه با زمان‌بندی منطقی از میدان بحران‌ها گذر و با تحقق حماسه اقتصادی، مشکل اقتصاد و معیشت مردم را حل کنیم. واما اینکه چگونه می‌توان ارتباطی مفید و منطقی بین حماسه اقتصادی و دولت یازدهم برقرار کرد، نیاز به فرایند و برنامه‌ای همسو دارد.

حماسه اقتصادی که از ابتکارات و پیشنهادات مقام‌مظهری‌بری می‌باشد، می‌تواند راهگشایی مهم‌ترین بخش و وظیفه دولت که همانا رونق و توسعه اقتصادی و بهبود معیشت مردم است شود. حماسه اقتصادی باید با کمک مردم و مسوولان محقق شود، تشککل‌ها و مجموعه‌های اقتصادی مردم‌نهاد از یک سو و مساعدت و کمک مسوولان از سوی دیگر می‌تواند در این حماسه نقش‌آفرینی کند. حمایت از تولید ملی، توسعه جاسبی صنایع، صادرات، بازرنگری و اجرای هدفمندی یارانه‌ها، اقتصاد بدون نفت، افزایش ارزش پول ملی و نرخ اشتغال می‌تواند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های اقتصادی می‌تواند کلید نقش بخش خصوصی و غیردولتی را افزایش دهیم تا فعالیت دولت بیشتر به طراحی و نظارت معطوف شود و امید به فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی افزون شود.